

نقد و بررسی کتاب

تاریخ جراید و مجلات ایران

زینب السادات معصومی زاده ❁



تاریخ جراید و مجلات ایران تألیف محمدصدرهاشمی کتابی است که به معرفی مجلات و روزنامه‌های منتشره در ایران می‌پردازد. این کتاب در نوع خود یکی از کامل‌ترین منابع این موضوع در حیطهٔ زمانی مشخص به شمار می‌رود و در ایران دوبار به چاپ رسیده است. چاپ اول آن مربوط به سال ۱۳۲۷ و چاپ دوم آن در سال ۱۳۶۳ صورت گرفته است. با توجه به اهمیت کتاب مذکور و نایاب بودن آن، در صدد برآمدیم تا به بررسی و نقد آن پرداخته و زمینهٔ آشنایی هرچه بیشتر صاحبان علم و معرفت را با این کتاب مهیا نماییم.

❁ کارشناس ارشد علوم سیاسی از باقرالعلوم قم



معرفی نویسنده

محمدصدرهاشمی فرزند سیدمهدی درسال ۱۲۸۴ هجری شمسی در شهر اصفهان در یک خانواده محترم و معروف روحانی متولد گردید. نامبرده فرزند اول خانواده بود. وی در کودکی در منزل پدری نزد دو استاد سرخانه شیخ محمد بیدآبادی و حاج آقا آخوند زفره‌ای به یادگیری تحصیلات ابتدایی و آموزش صرف و نحو پرداخت.

سال‌ها بعد با عطش و علاقه زیادی که به آموزش علم داشت در مدرسه صدراصفهان واقع در بازار بزرگ این شهر حجره‌ای اختیار نمود و از محضر استادانی چون میرسید علی نجف آبادی و سایر علمایی که در مدرسه صدر مشغول تدریس بودند استفاده کرد و به تحصیل علم و فقه و اصول مشغول گردید. ضمناً نزد شیخ محمد خراسانی فلسفه و حکمت آموخت و چندی نیز از محضر حاج آقا رحیم ارباب کسب فیض نمود. سپس بر علوم جدید روی آورد و در مدرسه صارمیه اصفهان به تحصیل علوم جدید پرداخت.

بعدها هم زمان، با تدریس در مدارس اصفهان به یادگیری زبان فرانسه مشغول شد و در سال ۱۳۱۶ هجری شمسی موفق به دریافت لیسانس از دانشسرای عالی و دانشکده ادبیات گردید و با امتیاز شاگرد اول از هر دو دانشکده موفق به دریافت جایزه از وزیر فرهنگ وقت شد. سپس به خدمت وزارت فرهنگ درآمد و عهده‌دار مشاغل مختلفی در آن وزارتخانه شد. از جمله ریاست یکی از دبیرستان‌های زنجان، بازرسی فنی و ریاست دبیرستان فرهنگ اصفهان به او سپرده شد. در دانشگاه اصفهان نیز به تعلیم سخن‌سنجی و سبک‌شناسی دانشکده ادبیات منصوب شد و ضمناً پیوسته در توسعه کتابخانه شخصی خود کوشش می‌نمود. به طوری که بالغ بر ۲۱۷۴ جلد کتاب جمع‌آوری نمود. به تدریج بینایی وی کم شد و برای کسی که تنها عشق و علاقه‌اش در زندگی مطالعه و تحقیق بود، این مسئله ضربه سختی بود و به تدریج در روحیه وی اثر گذاشت و وی را رنجور و ضعیف نمود. وی تا آخرین روزهای زندگی مطالعه کرد، درس داد و مقاله نوشت.

وی در نیمه شب ۳۰ فروردین ۱۳۴۴ هجری شمسی در منزل خود در اصفهان



بدرود حیات گفت. از جمله فعالیت‌های باارزش مرحوم صدرهاشمی شناسایی قبر صائب تبریزی می‌باشد. وی در این باره مقاله‌ای نیز به رشتهٔ تحریر درآورده‌است. از دیگر فعالیت‌های فرهنگی وی انتشار مجله چهلستون در اصفهان به مدیریت وی می‌باشد. چهلستون به مدت پنج سال و به صورت هفتگی منتشر می‌گردید که حاوی مقالات تحقیقی و علمی و تاریخی متعددی بوده است.

از مهمترین آثار وی همین کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران می‌باشد که نتیجهٔ بیش از ده سال کار و کوشش مداوم وی به شمار می‌رود. شعر و شاعری در عصر صفویه از دیگر تالیفات وی محسوب می‌شود که در آن اوضاع و احوال مردم ایران و چگونگی شعر و شاعری در عصر صفویه مورد بررسی و تحقیق قرار گرفته است. هم چنین ترجمه کتاب تمدن اسلام و غرب تألیف جرجی زیدان و ترجمه کتاب تاریخ کربلا و حائر حسینی تألیف دکتر عبدالجواد کلیددار از عربی به فارسی و ترجمه و تصحیح قصص خاقانی از فعالیت‌های وی به شمار می‌رود. عشاق قندهار و جادوگر مشهور دو کتاب از کنت دو گوینو نویسنده فرانسوی هستند که توسط صدرهاشمی ترجمه شده‌اند. وی چاپ تذکره‌الانساب در انساب خاندان مجلسی رانیز به عهده داشته است.

معرفی کتاب

تاریخ جراید و مجلات ایران مهمترین اثر مرحوم صدرهاشمی به شمار می‌رود. این کتاب یکی از مستندترین کتاب‌هایی است که در زمینهٔ تاریخ مطبوعات ایران تدوین گردیده است. این مجموعهٔ نفیس و دست اول نتیجهٔ بیش از ده سال کوشش وی می‌باشد که در ۱۲۲۳ صفحه و در چهار جلد به قطع وزیری و در سال‌های بین ۱۳۲۸ تا ۱۳۳۲ در اصفهان و توسط انتشارات کمال به چاپ رسید. این کتاب مدت‌ها نایاب بود و در سال ۱۳۶۳ مجدداً چاپ گردید. کتاب به شرح زیر است.

جلد اول کتاب در ۳۵۱ صفحه و در آذر ماه ۱۳۲۷ انتشار یافته‌است.



جلد دوم کتاب در ۳۳۹ صفحه و در دی ماه ۱۳۲۸ انتشار یافته‌است.

جلد سوم کتاب در ۱۸۹ صفحه و در اسفند ماه ۱۳۲۹ انتشار یافته‌است.

جلد چهارم کتاب در ۳۴۴ صفحه و در مهر ماه ۱۳۳۲ انتشار یافته‌است.

تدوین و تالیف کتاب و به خصوص موضوعات تاریخی که محتاج مطالعه و پرسش از دیگران می‌باشد، به اندازه‌ای در کشور ما کار مشکلی است که تا کسی به آن وارد نشود به مشکلات و سختی‌های آن پی نخواهد برد. روش مولف آن بوده است که اطلاعات مربوطه را از منابع اصلی اخذ و اقتباس می‌نموده و برای اطلاع از چگونگی و طرز انتشار هر یک از جراید و مجلات فارسی و آشنایی به وضع زندگی مدیران آن‌ها به هر یک از صاحبان جراید نامه‌ها نوشته و از آن‌ها مشخصات روزنامه و یا مجله آن‌ها را همراه با عکس خودشان درخواست می‌کرده است.

از سختی‌های دیگر کار این بوده است که وی برای کسب این اطلاعات مجبور به انجام مسافرت‌های فراوانی گردید. هم چنین در عمل دیده شد که نسخ بعضی از جراید و مجلات فارسی به کلی نایاب گردیده و دسترسی به آن‌ها محال و بسیار مشکل است. نویسندگان خود اشاره می‌کنند که اغلب مشاهده شد که مدیر و صاحب امتیاز روزنامه از چگونگی و مدت انتشار روزنامه‌اش به کلی بی‌اطلاع است و وقتی نگارنده اطلاعات و معلومات خود را درباره آن روزنامه برای او بیان می‌کردم، از شگفتی و تعجب نمی‌توانست خودداری کند. گاهی پاسخ عجیبی می‌شنیدم، بدین قسم که اظهار می‌داشتند که ما وضع زندگی هفته و ماه قبل را فراموش کرده‌ایم، چه انتظار دارید که از سال‌های پیش به شما اطلاعاتی بدهیم!

این کتاب به بررسی جراید و مجلات منتشر شده از ابتدا تا شهریور ۱۳۲۰ می‌پردازد. البته باید ذکر نمود که در حوزه موضوع تاریخ مطبوعات ایران، کتاب‌های زیادی به چاپ رسیده است که بخش وسیعی از آن‌ها به بررسی مطبوعات ایران و مشروطیت می‌پردازند.

مهمترین منبع در این رابطه کتاب تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره



مشروطیت می‌باشد که توسط ادوارد براون تهیه شده است. در انتها فهرست کتاب های تاریخ مطبوعات ایران ذکر خواهد شد.

ساختار کتاب

ساختار کتاب چهارجلدی حاضر مشتمل بر مقدمه در هر جلد و موضوع اصلی می‌باشد. جلد اول مشتمل بر مقدمه نسبتاً طولانی و در حدود ۳۵ صفحه می‌باشد. در ادامه و پس از مقدمه بررسی جراید و مطبوعات ایران صورت گرفته است.

اطلاعات گسترده و کاملی درباره تاریخ نشر در ایران در مقدمه جلد اول ذکر شده است. از جمله اطلاعاتی که در مقدمه کتاب در اختیار خواننده قرار می‌گیرد، اطلاعات مربوط به قدیمی‌ترین روزنامه ایران می‌باشد که به زبان فارسی و در حدود سال ۱۲۵۳ قمری به مدیریت میرزا صالح شیرازی در تهران تاسیس و چاپ گردیده است. امروز هیچ نسخه‌ای از روزنامه مذکور در دست نمی‌باشد اما شرحی از آن در مجله انجمن آسیایی (ج پنجم، سال ۱۸۳۹ میلادی) نوشته شده است.

البته پیدایش روزنامه به طور مرتب و منظم از اقدامات میرزا تقی‌خان امیر کبیر می‌باشد که در زمان ناصرالدین شاه صورت گرفته است. این روزنامه وقایع اتفاقیه نام داشته که بعدها با تغییر نام به ایران سلطانی و ایران انتشار می‌یافته است.

قدیمی‌ترین و اولین روزنامه یومیه که در کشور ما به وجود آمده روزنامه دولتی خلاصه‌الحوادث است که همه روزه به استثنای روزهای یکشنبه و جمعه، روی یک ورق کاغذ طبع و توزیع می‌شده است. انتشار این روزنامه در زمان مظفرالدین شاه و شماره اول آن در روز دوشنبه چهاردهم جمادی‌الآخر ۱۳۱۶ قمری بوده است. خلاصه‌الحوادث مرتباً تا شماره ۱۱۰۷ مورخ ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۲۱ قمری مطابق با ۱۳ آگوست ۱۹۰۳ م منتشر می‌گردیده است.

مقدمه جلد اول کتاب شامل اطلاعات مفید دیگری درباره وضعیت نشر و روزنامه‌نگاری و چگونگی روزنامه‌ها و جراید مختلف در زمان ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه، در دوره مشروطه اول، و در دوره مشروطه دوم تا پایان سلطنت قاجار و در کابینه ۹۰ روزه سیدضیاء و در دوره رضاشاه می‌باشد.



نویسنده چگونگی انتشار جراید و توزیع آن در زمان ناصرالدین شاه را بدین گونه توصیف می‌کند که در زمان ناصرالدین شاه، اعیان و اشراف و احکام مملکت موظف به قبول و تأدیة آبونۀ روزنامه بوده‌اند. در پایتخت طبق تقسیم بندی معینی تعدادی روزنامه به عنوان حکام ولایات و شهرستان ها فرستاده می‌شده که آن ها به نوبۀ خود جراید را توزیع و در آخر سال وجوه آن ها را جمع‌آوری و به پایتخت ارسال می‌نمودند. یکی از وظایف مهم حکام و مباشرین ولایات همین توزیع جراید دولتی و جمع‌آوری آبونۀ آن ها بوده است. تمام جراید و مطبوعات در زمان ناصرالدین شاه دولتی بوده‌اند.

اما در زمان مظفرالدین شاه بعضی از جراید خصوصی به دست اشخاص تاسیس یافت و انتشار جراید غیر دولتی حتماً با اجازه وزارت انطباعات صورت می‌گرفت و به پیشنهاد وزارت خانۀ مذکور صدراعظم حکمی مبنی بر اجازه انتشار روزنامه صادر می‌کرد و به همین صورت نیز از انتشار مجله یا روزنامه‌ای جلوگیری می‌نمود. روزنامه‌های زمان مظفرالدین شاه را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود. اول روزنامه‌های دولتی که وزارت انطباعات آن ها را طبع و منتشر می‌نموده‌است و دوم روزنامه‌های آزاد یا غیردولتی که به دست اشخاص تاسیس و اداره می‌شده‌اند. اطلاعات مهم و گرانبهای دیگری درباره تاریخ تفتیش و سانسور در مطبوعات ایران در مقدمۀ جلد اول ذکر شده است. از جمله در مقدمه جلد اول آمده است که تفتیش و بازرسی مطبوعات برای اولین بار در زمان ناصرالدین شاه به وجود آمد. به این صورت که اداره‌ای به نام اداره سانسور در ایران تاسیس شد. البته واضح است که چون در زمان ناصرالدین شاه تمام جراید دولتی بوده، نظارت و تفتیش درباره آن ها بی‌فایده و بی‌حاصل بوده است ولی در زمان مظفرالدین شاه به علت کثرت مطبوعات داخلی و خارجی، سانسور محقق گردیده است. هم چنین در دورۀ صدارت اتابک اعظم ورود جرایدی که به زبان فارسی در خارج ایران طبع و منتشر می‌شد، ممنوع گردید. در ادامۀ مقدمۀ جلد اول شرح سانسور بیش از حد دولت بر مطبوعات و سپس اعتراض نمایندگان دوره اول مجلس نسبت به این امر و پافشاری آنان مبنی بر آزادی جراید شرح داده می‌شود.



در این دوره روزنامه‌نگاران و اهالی مطبوعات تلاش فراوانی را جهت آزادی مطبوعات انجام دادند ولی مخالفت محمدعلی شاه با اساس مشروطیت منجر به محدودیت مضاعف مطبوعات ایران گردید.

پس از استقرار مشروط دوم، فرار محمدعلی شاه و جلوس احمدشاه، به تدریج آزادی‌خواهان و مدیران جراید که به خارج کشور رفته بودند، به ایران بازگشتند و مجدداً شروع به کار کردند و بازار جراید ایران دیگر باره رونق گرفت. این وضعیت تا زمان استقرار کابینه سیدضیاء ادامه داشت. سیدضیاء که خود از اهالی مطبوعات به شمار می‌رفت، پس از دست گرفتن قدرت بسیاری از مطبوعات مخالف را توقیف نموده و از انتشار آن‌ها جلوگیری کرد.

نویسنده در ادامه مقدمه جلد اول به بررسی وضعیت جراید در دوره رضاشاه پهلوی نیز می‌پردازد. با به قدرت رسیدن رضاشاه، مطبوعات احتیاط فراوانی از خود نشان می‌دادند. اما بعضی از جراید تندرو و سرکش تحت سانسور شدید قرار گرفته و بالطبع جراید شدیدالحن و مخالف دولت از بین رفتند. این رفتار ادامه پیدا کرد به طوری که در سال ۱۳۱۰ شمسی بیش از تعداد معینی روزنامه در تهران و شهرستان‌ها چیزی منتشر نمی‌شد. در دوره رضاشاه شهربانی کاملاً بر مندرجات جراید نظارت می‌کرد و هیچ مطلبی بدون اجازه شهربانی منتشر نمی‌گردید. در این دوره بسیاری از روزنامه‌نگاران مخالف زندانی شدند و تحت آزار و اذیت‌های فراوان قرار گرفتند.

پس از حادثه شهریور ۱۳۲۰ و کناره‌گیری رضاشاه و ایجاد فضای باز سیاسی پس از محدودیت‌های اعمال شده در گذشته، جراید مجدداً پا به دایره انتشار گذاشتند و زندانیان مطبوعات آزاد شدند و هرروز، روزنامه‌های جدیدی در کشور انتشار می‌یافت.

در فضای ایجاد شده، مطبوعات به انتقاد گسترده از دوره قبل و اعمال خلاف قانون صورت گرفته می‌پرداختند.

نویسنده در انتهای مقدمه جلد اول اشاره می‌کند که در همین دوران، قانون جدید مطبوعات از تصویب مجلس گذشت و جراید و روزنامه‌ها با شرایط جدید



مشغول به فعالیت شدند. نویسندگان پس از پایان مقدمه جلد اول بلافاصله و بدون ذکر هیچ عنوانی برای ادامه کتاب، وارد مبحث اصلی شده و به بررسی ویژگی‌های مجلات و مطبوعات ایران می‌پردازد. در جلد اول حدود ۲۶۶ عنوان که با حروف الف شروع می‌شوند مورد بررسی قرار گرفته‌است. اولین عنوان در صفحه ۳۶ و مربوط به روزنامه آینه می‌باشد که در شیراز منتشر می‌شده است. آخرین عنوان جلد اول نیز با شماره ۲۶۶ مربوط به ماهنامه ایوان مدائن است.

ساختار جلد‌های دیگر کتاب نیز مانند جلد اول می‌باشد به صورتی که شامل یک مقدمه و متن اصلی است.

مقدمه جلد دوم حدود ۷ صفحه است. جلد دوم در اردیبهشت ۱۳۲۸ چاپ و در ۱۳۶۴ تجدید چاپ شده است. در این مقدمه نویسنده قسمتی از نوشته‌های روزنامه‌ها و مجلاتی که درباره جلد اول کتاب مطالبی نوشته بودند را به چاپ رسانده است. هم چنین قسمتی از نامه‌هایی را که اصحاب مطبوعات به وی نوشته بودند، نیز مورد اشاره قرار گرفته‌اند. در بیشتر این مطالب، کار برجسته صدرهاشمی مورد تقدیر نویسندگان قرار گرفته‌است.

در جلد دوم، کتاب با عناوینی از روزنامه‌ها و مجلاتی که با حرف «ب» شروع شده‌اند آغاز می‌شود و تا حرف «ر» مورد بررسی قرار می‌گیرد. عنوان اول کتاب شماره ۲۶۷ و مربوط به روزنامه «باختر» است. آخرین عنوان نیز به شماره ۶۰۵ و مربوط به مجله «ریاضیات عالی و مقدماتی» است.

مقدمه جلد سوم شامل ۹ صفحه می‌باشد که مانند جلد دوم به انتقادات، پیشنهادات و تقدیر و تشکرهای دیگران اختصاص دارد. عنوان اول در جلد سوم که با شماره ۶۰۶ شروع می‌شود، به روزنامه ارمنی «زاراربت باهرا» اختصاص دارد. عنوان آخر جلد سوم به شماره ۷۸۴ و روزنامه مصور و فکاهی «ظریف» اختصاص یافته است.

مقدمه جلد چهارم بسیار کوتاه می‌باشد و بلافاصله عنوان ۷۸۵ ذکر شده که به مجله «عالم نسوان» اختصاص یافته است. آخرین عنوان کتاب در جلد چهارم و با شماره ۱۱۸۶ و به ماهنامه «یکانگی» اختصاص دارد.



در ادامه به بررسی ویژگی‌های کتاب می‌پردازیم.

۱- کتاب در حقیقت فرهنگ جراید و مجلات فارسی است و از این رو تنظیم آن مانند سایر فرهنگ‌ها از فرهنگ لغات می‌باشد و بر این اساس می‌توان آن را فرهنگ مطبوعات ایران نام نهاد.

۲- مبنای تنظیم اسامی تمام جراید و مجلات ایران از آغاز تاسیس روزنامه‌نگاری در ایران، براساس حروف تهجی می‌باشد، به صورتی که در خود اسامی نیز همین ترتیب رعایت شده است و بنابراین از حرف الف بعد همزه شروع شده است. بر این اساس اولین عنوان مورد بررسی روزنامه «آئینه» می‌باشد. و در ضمن رعایت حروف مابعد اول نیز شده است. به این صورت که عنوان «آئینه افکار» پس از «آئینه» و «آئینه ایران» پس از «آئینه افکار» آمده است.

عنوان‌های بعدی «آئینه جنوب، آیین خلقت، آئینه شمال، آئینه عرفان و ...» می‌باشد و همان طور که دیده می‌شود براساس حروف تهجی در حرف اول و سپس در حرف دوم تنظیم گردیده‌اند.

در جاهائی که اسامی روزنامه‌ها و مجلات مشابه بوده است، میزان تقدم عنوان براساس قدمت انتشار صورت پذیرفته است. مثلاً ابتدا از مجله «الاسلام» که در سال ۱۳۲۰ هجری قمری انتشار یافته گفت و گو شده و بعد از آن از «الاسلام» منتشره در سال ۱۳۳۱ هجری قمری و به همین ترتیب ذکر شده است.

۳- با این که نام کتاب تاریخ جراید و مجلات ایران است. با وجود این برای این که چیزی از جراید فارسی و یا جرایدی که در این کشور منتشر شده از قلم نیفتد، جراید و مجلاتی که به زبان‌های مختلف ارمنی، آسوری، فرانسه، انگلیسی و روسی در ایران انتشار یافته‌است، مورد بررسی قرار گرفته‌اند و نیز جراید و مجلاتی که در خارج از ایران مانند برلین، قاهره، لندن و سایر پایتخت‌ها به زبان فارسی منتشر می‌شده، مورد بحث قرار گرفته‌اند. در حقیقت کتاب حاضر مجموعه‌ی کاملی از تمام جراید و مجلات داخلی به هر زبانی و جراید و مجلات فارسی می‌باشد.

۴- نویسنده تلاش کرده‌است تا در ذیل عنوان هر روزنامه و مجله تمام اطلاعات



مربوط به آن را از مدت انتشار، سال تأسیس، تعداد دفعات توقیف آن، شرح احوال مدیر روزنامه و مجله تا آن جا که امکان داشته است، قطع و تعداد صفحات، نوع چاپخانه از سربی و چایی، قید گردد. هم چنین نویسندگان در مواردی که امکان داشته تصویر اول روزنامه یا مجله و تصویر مدیر آن ها را چاپ نموده است.

نویسندگان تلاش نموده است که در مواردی که روزنامه از انتشارات موسسه یا حزب و یا مدرسه بوده است به تفصیل از هر کدام از آن ها گفت و گو نماید.

۵- نویسندگان در مقدمه ذکر نموده است که جهت جمع آوری اطلاعات لازم در درجه اول تلاش نموده است که تمام اطلاعات مربوط به هر روزنامه، از متن دوره های آن به دست آید. یعنی تلاش نویسندگان مبنی بر کسب اطلاعات از منابع دست اول بوده است. در این راستا، نویسندگان تمام تلاش خود را برای به دست آوردن شماره اول مجلات و روزنامه ها انجام داده است. از این رو اغلب سنوات تأسیس و انتشار مبتنی بر مدرک غیر قابل انکار یعنی شماره اول روزنامه ها و مجلات بوده است و درباره تاریخ آغاز انتشار به شنیده ها و یا آگهی هایی که حکایت از انتشار روزنامه در فلان تاریخ می نماید اکتفا نشده است و تماماً مستند به عین شماره های اول بوده است. مگر در موارد استثنایی که دسترسی به شماره اول میسر نبوده و در این صورت به سال انتشار اکتفا شده است.

۶- کتاب حاضر مشتمل بر شرح چگونگی جراید و مجلات فارسی ای است که تا شهریور ۱۳۲۰ انتشار یافته و از ذکر شرح مجلات و جرایدی که پس از شهریور ۱۳۲۰ در ایران منتشر شده، خودداری گردیده است.

کمیودها و کفایت ها

با توجه به این که نویسندگان در مقدمه اعلام نموده است که تلاش کرده تا اطلاعات وسیعی از هر روزنامه یا مجله در اختیار خواننده قرار دهد و وابستگی حزبی آن ها را مشخص نماید. اما در عمل مشاهده می نمایم که در ذیل بسیاری از عناوین، اطلاعات اندک و غیر مهمی به خواننده داده می شود و محتوای روزنامه ها و مجلات مورد بررسی چندانی قرار نمی گیرد و در بیشتر موارد تنها به ذکر شرح حال مدیر



مسئول جراید اکتفا شده است. هم چنین هیچ نشانی از خط فکری و سیاسی بسیاری از مجلات و روزنامه‌ها دیده نمی‌شود و وابستگی حزبی و سیاسی آن‌ها مورد بررسی قرار نمی‌گیرد.

با مطالعه فقط چند عنوان می‌توانیم دریابیم که نویسندگان در بعضی از موارد به جزئیات غیر ضروری زیادی اشاره نموده است از جمله:

نوع زیبایی خط از جمله نستعلیق و یامعمولی بودن خط و جنس کاغذ مورد توجه قرار گرفته‌است مانند عنوان ۱۵۵ روزنامه «فرهنگ»: روزنامه فرهنگ به خط نستعلیق و با کاغذ بسیار خوب طبع شده و تحریر آن به عهده میرزا عبدالرحیم خوشنویس متخلص به افسر که یکی از خطاطان معروف و مشهور اصفهان بوده‌است. نامبرده در هر شماره اسم خود را در انتهای صفحه چهارم نوشته شده‌است.

نوع چاپ نیز با جزئیات زیادی مورد توجه قرار گرفته است از جمله سنگی، سربی و ژلاتینی.

از جزئیات دیگر می‌توان به قیمت روزنامه یا مجله اشاره کرد که با دقت زیادی مورد بررسی قرار گرفته‌اند مانند عنوان ۷۰۹ شهاب ناقب: آبنه سالیانه یکصد و پنجاه نمره در طهران ۴۵ قران، ولایات داخله ۵۰ قران.

قطع روزنامه نیز مورد بررسی قرار گرفته‌است از جمله خشتی و وزیری بودن قطع روزنامه.

نویسندگان حتی وقایعی که برای روزنامه اتفاق افتاده است و موجب اختلال در چاپ گردیده است مانند حریق نیز ذکر کرده است.

مورد بعدی قیمت اعلانات است مثلاً در ذیل عنوان شماره ۳۰ آتش افشان: بهای روزنامه سالیانه شیراز ۴۵، داخله ۵۰، خارجه ۶۰ قران است. اعلانات صفحه اول سه قران، دوم دو قران، سوم یک قران، چهارم ده شاهی.

اندازه صفحات نیز با جزئیات مورد بررسی قرار گرفته‌است مثلاً در ذیل شماره ۱۰ «آیینة غیب نما» هر شماره روزنامه در ۴ صفحه به قطع ۷/۵ سانتیمتر در



دوازده سانتیمتر می‌باشد. یا در ذیل شماره ۶۸۷ عنوان «شرف»: هر روزنامه در چهار صفحه به قطع ۷*۱۱ اینچ است. تعداد صفحات، قطع و نوع چاپ نیز در شماره ۷۵۲ «صوراسرافیل» چنین بررسی شده است: در هشت صفحه به قطع وزیری با چاپ سربی.

نویسنده در بسیاری از موارد به مصور یا غیر مصور بودن مجله اشاره کرده است که جالب و مفید به نظر می‌رسد. مثلاً در ذیل شماره ۳۰ «آتش افشان»: با این که در عنوان روزنامه نوشته شده است این جریده جامع‌الاطراف و مصور است مع‌ذلک در شماره‌های موجود تصویری دیده نمی‌شود.

از جزئیات دیگری که مورد بررسی نویسنده قرار گرفته است این است که نویسندگان به این که در بالای صفحه اول چه تصویری کشیده شده است یا این که در بالای اسم روزنامه چه جمله‌ای نوشته شده است اشاره نموده است مثلاً در ذیل شماره ۵ عنوان «آئینه جنوب»: در عنوان در بالای اسم روزنامه جمله (یدالله مع‌الجماعه) و در زیر آن (المؤمن مرآت المؤمن) و در داخل آئینه جنوب سال ۱۳۰۴ که سال تاسیس روزنامه می‌باشد، درج شده است.

یا در ذیل شماره ۷۵۲ عنوان «صوراسرافیل»: سرلوحه آن که به رنگ‌های مختلف قرمز، آبی، سیاه و ... چاپ شده عبارت از فرشته آزادی است که در صورت می‌دمد و گروه انبوهی او را به یک دیگر نشان می‌دهند. در داخل سرلوحه اسم روزنامه صوراسرافیل به خط نسخ درشت و با خط ریز کلمات حریت- مساوات- اخوت نوشته شده است. در بالای سرلوحه نیز آیه (و نفخ فی الصور فاذا هم من الاحداث الی ربهم نیسلون) و در پایین آن آیه (فاذا نفخ فی الصور فلا انساب بینهم) درج گردیده است.

در بسیاری از موارد نویسنده در یک خط و فقط به سال انتشار و شهری که روزنامه در آن منتشر می‌شده است اشاره نموده است که البته با وسواس و موشکافی عجیبی سال تاسیس مجله و تاریخ انتشار یک یک جراید ثبت شده است.

در ذیل تمام عنوان‌ها می‌توان این اطلاعات را به طور مشترک به دست آورد.



عنوان روزنامه یا مجله، سال انتشار آن و طرز انتشار روزنامه (هفتگی، ماهنامه، دو هفته یک بار و ...) و شهری که روزنامه یا مجله در آن چاپ می‌شده است. شیوه نگارش مطالب کتاب به صورتی است که اطلاعات یکسانی درباره روزنامه‌ها و مجلات به خواننده نمی‌دهد و تنها اطلاعات یکسان برای تمام مجلات، اطلاعات ذکر شده در مورد قبلی است. این ایراد ضربه اساسی را به ساختار کتاب وارد نموده است. مثلاً از مواردی که شرح مفصلی آورده شده است شماره ۷۵۲ و عنوان «صور اسرافیل» می‌باشد. نویسنده شرح مفصلی از روزنامه و ویژگی‌های آن و چگونگی انتشار آن به خواننده می‌دهد. شرح مفصلی از ستون چرند و پرند روزنامه و چگونگی توقیف آن و حتی احضار مدیر صور اسرافیل در دارالفنون و سوال و جواب‌های مربوط به آن به طور مفصلی در ذیل عنوان «صور اسرافیل» شرح داده شده است.

از موارد دیگر می‌توان به این مسأله اشاره کرد که روزنامه‌ها و مجلات سیاسی معروف به طور ویژه‌ای مورد بررسی قرار گرفته‌اند به خصوص مجلاتی که نقش زیادی در آگاهی مردم و ایجاد مشروطه داشته‌اند مانند صور اسرافیل، توفیق، رعد، حبل‌المتین، مظفری، قرن بیستم، نسیم شمال و ... که صفحات زیادی به آن‌ها اختصاص یافته است. عناوین معمولی به طور مختصر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

در بسیاری از موارد نویسنده نتوانسته است هیچ نسخه‌ای از مجله یا روزنامه را بیابد و بدین ترتیب هیچ اطلاعاتی به خواننده داده نمی‌شود. هم چنین نویسنده حجم یکسان و مناسبی را در نظر نگرفته است بعضی از توضیحات فقط چند سطر و گاهی فقط یک سطر و در موارد دیگر چندین صفحه برای آن در نظر گرفته شده است.

در برخی موارد خلاصه سر مقاله اولین شماره یا شماره‌های دیگر آورده است تا بدینوسیله محتوای روزنامه یا مجله به خواننده نمایانده می‌شود که اگر در مورد تمام عناوین به کار می‌رفت بسیار مفید بود.

نویسنده نظم خاصی را برای ذکر تاریخ در پی نگرفته است به طوری که بعضی



اوقات تاریخ را شمسی و گاهی قمری ذکر می‌نماید. از ویژگی‌های کتاب نیز می‌توان به این مورد اشاره کرد که مثلاً در ذیل شماره ۳۰ عنوان «آتش‌افشان» این گونه آمده است: سابقاً رسم چنین بود که قسمت‌های سانسور شده را سفید می‌گذاشتند. در همین مقاله نیز که به شدت به شیخ خزعزل حمله شده و شیخ را آلت بلا ارادهٔ اجانب دانسته به علت سانسور جای مطالب حذف شده سفید است.

امتیازات کتاب

این که کتاب در حوزهٔ تخصصی خود کتاب جامعی محسوب می‌شود و توانسته است مجموعهٔ کاملی از اسامی مجلات و روزنامه‌های تاریخ مطبوعات ایران را در اختیار خوانندگان و محققان قرار دهد.

این کتاب نخستین و کاملترین کتاب در حوزهٔ مطبوعات ایران به شمار می‌رود که توانسته است حدود ۱۱۸۶ عنوان از جراید و مطبوعات کشور را مورد بررسی قرار دهد.

این کتاب می‌تواند یاری دهندهٔ دانشجویان و محققان گرامی در حوزهٔ مطبوعات ایران باشد و اطلاعات وسیعی را نسبت به وضعیت نشر روزنامه‌ها و مجلات در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد.

این کتاب در تدوین دایره‌المعارف مطبوعات ایران و یافتن مدخل‌های مناسب با آن بسیار کارساز است.

البته نویسنده معتقد است که کتاب تاریخ مطبوعات ایران در حقیقت تالیف و تدوین نیست بلکه ایجاد و ابداع یک قسمت از تاریخ است.

از کاستی‌های کتاب نیز می‌توان به این مورد اشاره کرد که عناوین زیادی از قلم افتاده است و فقط حدود ۱۱۸۶ عنوان دیده می‌شود.

هم چنین با توجه به گستردگی و فراوانی مطبوعات در ایران لزوم پرداختن به مجلات و روزنامه‌هایی که پس از شهریور ۱۳۲۰ در ایران منتشر گردیده‌اند احساس می‌شود.



در رابطه با این کتاب می‌توان پیشنهادات زیر را ارائه داد: لزوم تدوین دایره‌المعارف مطبوعات ایران از ابتدا تاکنون احساس می‌شود. هم چنین تنظیم این دایره‌المعارف یا کتاب براساس حروف الفبای فارسی صورت گیرد. ■

فهرست منابع:

- ۱- تاریخ تحلیلی مطبوعات ایران، محیط طباطبائی، انتشارات بعثت، ۱۳۷۵.
- ۲- تاریخ مطبوعات در ایران و جهان، جهانگیر صلح‌جو، انتشارات امیرکبیر.
- ۳- تاریخ مطبوعات و ادبیات ایران در دوره مشروطیت، ادوارد براون، انتشارات معرفت.
- ۴- سیری در مطبوعات ایران، مسعود برزین، انتشارات راستی
- ۵- مطبوعات ایران از ۱۳۲۰ الی ۱۳۲۶، حسین ابوترابیان، انتشارات اطلاعات.
- ۶- مطبوعات ایران از ۱۳۴۳ الی ۱۳۵۳، مسعود برزین، انتشارات بهجت، ۱۳۵۳.
- ۷- اسنادی از مطبوعات و احزاب دوره رضاشاه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۸- سرگذشت مطبوعات ایران در روزگار محمدشاه و ناصرالدین شاه، سیدفریدقاسمی، وزارت و فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۹- تاریخ روزنامه‌نگاری ایران، دوجلدی، سیدفریدقاسمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۰- رویدادهای مطبوعاتی ایران، سید فرید قاسمی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۱۱- اولین مطبوعات ایران، سید فرید قاسمی، نشر آبی.
- ۱۲- خاطرات مطبوعات، سید فرید قاسمی، نشر آبی.
- ۱۳- مطبوعات ایران در قرن بیستم، سید فرید قاسمی، انتشارات قصه.
- ۱۴- تاریخ شفاهی مطبوعات ایران، سید فرید قاسمی، انتشارات ققنوس.



- ۱۵- مطبوعات سیاسی ایران در عصر مشروطیت، عبدالکریم ذاکر حسینی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۶- گذری به تاریخ سیاسی مطبوعات و قوانین مطبوعاتی در ایران از ۱۳۱۵ تا ۱۳۵۷، معصومه طاهری، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۱۷- تاریخ مجلات کودکان و نوجوانان از آغاز تا پیروزی انقلاب اسلامی، منصور حسین‌زاده، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها.
- ۱۸- تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان، دو جلدی، ناصرالدین پروین، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۹- روزنامه و روزنامه‌نگاری در ایران، زهرا باقریان نژاداصفهانی، اصفهان، مولانا.
- ۲۰- فهرست روزنامه‌های موجود در کتابخانه ملی ایران، بیژن سرتیب‌زاده.
- ۲۱- روزنامه‌های ادبی در ایران، فریدون آدمیت.
- ۲۲- راهنمای روزنامه‌های ایران، احمد صباگردی مقدم (تهیه و تنظیم کتابخانه ملی ایران).
- ۲۳- تاریخ سانسور در مطبوعات ایران، گوئل کهن، تهران، آگاه ۱۳۶۲
- ۲۴- تاریخچه مطبوعات ایران، سعید نفیسی.

